

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

عبد اللطیف صدیقی للندری

به استقبال از غزل حافظ با مطلع ذیل:

هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم
هرکه که یاد روی تو کردم جوان شدم

صبح صادق

دلبر چو رفت از غم او ناتوان شدم
چون مرغ پر شکسته و بی آشیان شدم
چون بلبل که در غم هجران وصل گل
از هجر او به درگاه پیر مغان شدم
رفتی و دل به یاد تو شب زنده دار شد
"بر من حیات می گذرد پیر از آن شدم"
زان پیشتر که عالم فانی رود به باد
اندر جهان عشق تو من جاودان شدم
در خلوت شبی که بر افتد ز رخ نقاب
چون صبح صادقی ز در آسمان شدم
در طیف آرزو چو بود یاد روی دوست
در نقطه نقطه اش شدم و نکته دان شدم
از راز عشق و دولت رندان پاک باز
از لعل جان فزای تو موی میان شدم
از عشق یار طرز بیانم خدا بداد
در کارگاه عشق تو شیرین زبان شدم
اندر صفای خلوت رخشنده روی تو
همرای عشق و همفلسش یک زمان شدم

خلق نكو و خووبى و آئینه جمال
در موج رستخیز نگاهش جوان شدم
بیخود شو و شکسته دلی پیشه کن لطیف
تا بود رونقی به کفم آنچنان شدم